

شرق‌شناسه و امپریالیسم*

• ترجمه‌ی: دکتر نرجس بانو صبورى هلهستانی
عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور

ادوارد ودیع سعید (اول نوامبر ۱۹۳۵ - ۲۵ سپتامبر ۲۰۰۳) نظریه‌پرداز ادبی اهلی فلسطین و مدافع حقوق فلسطینیان، استاد ادبیات انگلیسی و تطبیقی دانشگاه کلمبیا (Columbia University) و از بنیان‌گذاران نظریه‌ی پسااستعماری (Post colonialism) بود. رابرت فیسک (Robert Fisk) او را نیرومندترین آوای سیاسی فلسطینیان توصیف کرده است.^۱

سعید نویسنده و منتقد متنقد فرهنگی بود که بیشترین شهرتش را به واسطه‌ی نگارش کتاب «شرق‌شناسی» (Orientalism) به دست آورد. این اثر شهرت بین‌المللی یافت.^۲ در این کتاب، عقاید او درباره‌ی شرق‌شناسی و برررسی فرهنگ‌های شرقی به تصویر کشیده شده است. سعید بر آن بود که دانش شرق‌شناسی به‌طور تفکیک‌ناپذیری با جوامع امپریالیست، که آن را به وجود آورده‌اند، پیوند خورده است و این امر سبب می‌شود که بسیاری از آثار به‌طور ذاتی رنگ و بوی سیاسی به خود بگیرند و در خدمت قدرت درآیند.

سعید روشنفکری است که درباره‌ی سیاست، موسیقی، فرهنگ و ادبیات معاصر در سخنرانی‌ها، روزنامه‌ها، مجلات و کتاب‌ها فراوان به بحث پرداخته است. وی با یاری گرفتن از تجربیات خویش، همواره از تشکیل دولت فلسطین، حقوق برابر فلسطینیان، از جمله حق بازگشت و نیز فشار بر اسرائیل، به‌ویژه از طریق ایالات متحده‌ی آمریکا دفاع می‌کرد.

دوران کودکی

سعید در اول نوامبر ۱۹۳۵ در اورشلیم به دنیا آمد.^۳ پدرش شهروند آمریکایی فلسطینی‌الاصل بود که پیش از تولد سعید به قاهره مهاجرت کرده بود. پدر و مادر سعید هر دو پیرو مذهب پروتستان بودند.^۴ سعید تا ۱۲ سالگی به تناوب بین قاهره و اورشلیم زندگی می‌کرد.^۵ هنگامی که در سال‌های ۱۹۴۷/۴۸ جامعه‌ی عرب علیه اسرائیل اعلان جنگ داد، خانواده‌ی سعید از نزدیکی تلبیه (Talbiya) در اورشلیم به قاهره بازگشت. سعید در نوجوانی راهی ایالات متحده‌ی آمریکا شد و در مدرسه‌ی شبانه‌روزی ماساچوست (Massachusetts) بسیار خوش درخشید و در کلاسی که حدود ۱۶۰ دانش‌آموز داشت، همواره رتبه‌ی اول یا دوم را به دست می‌آورد.^۶

سعید بر زبان‌های انگلیسی، فرانسه و عربی تسلط کامل داشت. وی در سال ۱۹۵۷ درجه‌ی کارشناسی را از دانشگاه پرینستون (Princeton University)، در سال ۱۹۶۰ درجه‌ی کارشناسی ارشد و در سال ۱۹۶۴ درجه‌ی دکتری را در

در «شرق‌شناسی»، سعید بر این اصرار می‌ورزد که بیشتر بررسی‌های تمدن اسلامی، توسط غربیان، نوعی روشنفکری سیاسی است که تمایل به تأیید خود دارد

ادبیات انگلیسی از دانشگاه هاروارد (Harvard University) اخذ کرد.^۱

مشاغل

سعید در سال ۱۹۶۳، به گروه ادبیات انگلیسی و تطبیقی دانشگاه کلمبیا پیوست و تا زمان درگذشت (سال ۲۰۰۳) در همین دانشگاه به کار اشتغال داشت. وی در بسیاری از دانشگاه‌های ایالات متحده به عنوان استاد مدعو به تدریس پرداخته است: استاد مدعو ادبیات تطبیقی در دانشگاه هاروارد (۱۹۷۴)، دستیار مرکز مطالعات پیشرفته دانشگاه استنفورد (۱۹۷۵-۶)، استاد مدعو علوم انسانی در دانشگاه جان هاپکینز (۱۹۷۹) و استاد مدعو دانشگاه ییل. سعید در سال ۱۹۹۲ درجه‌ی استادی دانشگاه را که بالاترین مقام دانشگاهی در دانشگاه کلمبیا است، دریافت کرد.^۲ وی همچنین در بسیار از انجمن‌ها و مجامع علمی عضویت داشت. برخی از آن‌ها عبارتند از: ریاست انجمن زبان جدید (Modern Language Association)، سردبیر فصلنامه‌ی مطالعات عرب (Arab Studies Quarterly)، عضو آکادمی هنر و علوم آمریکا (American Academy of Arts and Sciences)، عضو هیأت اجرایی PEN، عضو انجمن پادشاهی ادبیات (Royal Society of Literature)، عضو شورای روابط خارجی (Council of Foreign Relations) و عضو انجمن فلسفی آمریکا (American Philosophical Society).^۳

نقد ادبی

سعید پس از انتشار کتاب اولش به نام «ژوزف کنراد و داستان شرح زندگی» (Josef Conrad And The Fiction of Autobiography) در سال ۱۹۶۶، کتاب دوم خویش را با عنوان «آغازها: هدف و روش» (Beginnings: Intention And Method) در سال ۱۹۷۴ به نگارش درآورد. این کتاب درباره‌ی شالوده‌های نظری طرح‌های نقد ادبی به بحث می‌پردازد.^۴ دیگر آثار سعید در زمینه‌ی نقد ادبی عبارتند از: «جهان، متن و نقد» (The World, The Text, And Critic)، «ناسیونالیسم، استعمارگری و ادبیات» (Nationalism, Colonialism And Literature, ۱۹۸۳)، «فرهنگ و امپریالیسم» (Culture And Imperialism, ۱۹۹۲)، «انسان‌گرایی و نقد دموکراتیک پس از مرگ» (Posthumous Humanism And Democratic Criticism, ۲۰۰۴)، و «درباره‌ی آخرین سبک» (On Late Style, ۲۰۰۶).

شرق‌شناسی

بیشترین شهرت سعید به‌واسطه‌ی نگارش کتاب «شرق‌شناسی» (۱۹۷۸) است. او شرق‌شناسی را به مجموعه‌ای از فرضیات بی‌اساس تعبیر کرده است که بنیان‌نگرش غرب به شرق را تشکیل می‌دهد. سعید بر آن بود که سنت دیرپای

تصورات دروغین و اغراق‌آمیز آسیا و خاورمیانه هم‌چون توجیهی دروغین و تلویحی در خدمت جاه‌طلبی‌های استعماری اروپا و آمریکا بوده است.

در «شرق‌شناسی»، سعید بر این اصرار می‌ورزد که بیشتر بررسی‌های تمدن اسلامی، که توسط غربیان صورت پذیرفته، نوعی روشنفکری سیاسی است که تمایل به تأیید خود دارد. به عقیده‌ی او، شرق‌شناسی بر حوزه‌های نظریه‌ی ادبی، مطالعات فرهنگی و جغرافیای انسانی و تا حدی کمتر بر مطالعات تاریخی و شرقی بسیار تأثیرگذار است. سعید با الهام از آثار نویسندگانی چون ژاک دریدا (Jacques Derrida) و میشل فوکو (Michel Foucault) و نیز منتقدان شرق‌شناسی همچون: ای. ال. تیبای (A. L. Tibawi)، ماکسیم رادینسن (Maxime Rodinson) و ریچارد ویلیام سادرن (Richard William Southern) بر آن بود که نوشته‌های غربیان درباره‌ی شرق و مشاهداتی که ارائه می‌دهند، مشکوک است و نمی‌توان ارزش چندانی برای آن‌ها قائل شد. به گفته‌ی سعید، حاکمیت استعماری اروپا و تسلط سیاسی این قاره بر شرق، نوشته‌های حتی فاضل‌ترین، خوش‌قلب‌ترین و دلسوزترین شرق‌شناسان غربی را نیز تحریف می‌کند.^۵ به‌گونه‌ای که حتی بر متون غربی ظاهراً بی‌طرفی که درباره‌ی شرق نوشته شده‌اند، تعصبی سایه افکنده است که محققان غربی خود قادر به تشخیص آن نیستند. محققان غربی برآنند که شرق قادر نیست روایات خود را بنگارد. اینان گذشته‌ی آسیا را نوشته و هویت‌های جدید آن را از روی چشم‌اندازی ساخته‌اند که اروپا را اصل می‌انگارد و تصویر شرق را اسرارآمیز و مرموز و مبهم جلوه می‌دهد.^۶

سعید سرانجام به این نتیجه می‌رسد که نوشته‌های غربی، شرق را همچون «دیگری» نامعقول، ضعیف و زنانه ترسیم می‌کنند که در تقابل با غرب معقول، قدرتمند و مردانه قرار دارد. تقابلی که او از آن سخن می‌گوید، ریشه در نیاز به خلق «تفاوت» بین غرب و شرق دارد و می‌توان آن را به «اصل» تغییرناپذیر طبیعت شرق نسبت داد.^۷

نقد

«شرق‌شناسی» و دیگر آثار سعید سرآغاز مباحثات و نقدهای مختلفی به شمار می‌روند.^۸ ارنست گلنر (Ernest Gellner) بر آن است که سخن سعید در این باره که غرب بیش از ۲۰۰ سال بر شرق تسلط داشته، غیرقابل دفاع است.^۹ مارک پرودمن (Mark Proudman) خاطر نشان می‌سازد که سعید مدعی است امپراتوری بریتانیا در دهه‌ی ۱۸۸۰ مصر تا هند گسترش داشته، در حالی که چنین نبوده است. دیگران چنین استدلال می‌کنند که حتی در اوج عصر پادشاهی بریتانیا، قدرت اروپا در شرق هیچ‌گاه قدرتی مطلق نبوده است، بلکه

به عقیده‌ی سعید، شرق‌شناسی بر حوزه‌های نظریه‌ی ادبی، مطالعات فرهنگی و جغرافیای انسانی و تا حدی کمتر بر مطالعات تاریخی و شرقی بسیار تأثیرگذار است

شرق‌شناسی

اضداد» (Musical Elaborations, Parallels And Paradoxes)، «پژوهش‌هایی در موسیقی و جامعه» (Explorations In Music And Society) و «آخرین سبک». همچنین مجموعه‌ای از مقالات وی درباره‌ی موسیقی، پس از مرگ وی در سال ۲۰۰۷ به چاپ رسید.^{۳۲}

سیاست

سعید در دوران جوانی، خود را درگیر مسأله‌ی استقلال فلسطین کرد. او از سال ۱۹۷۷ تا ۱۹۹۱ عضو مستقل شورای ملی فلسطین بود.^{۳۳} وی همچنین از اولین مدافعان راه حل دوکشوری بود و در سال ۱۹۹۸ به استقرار کشور فلسطین در شورای ملی رأی مثبت داد. سعید در سال ۱۹۹۱ از این شورا در اعتراض به امضای پیمان اسلو خارج شد. وی بر آن بود که پیمان اسلو به تشکیل دولت مستقل نمی‌انجامد و از طرحی که خود در دهه‌ی ۱۹۷۰ به نمایندگی از ایالات متحده‌ی آمریکا به یاسر عرفات پیشنهاد کرده، ضعیف‌تر است. کتاب‌هایی که سعید درباره‌ی مسائل اسرائیل و فلسطین نگاشته است، عبارتند از: «مسأله‌ی فلسطین» (The Question Of Palestine, ۱۹۷۹)، «سیاست سلب مالکیت» (The Politics Of Dispossession, ۱۹۹۴) و «پایان جریان صلح» (The End Of The Peace Process, ۲۰۰۰).

«در تمام آثارم، منتقد ناسیونالیسم غرور آمیز و غیرمنتقد بوده‌ام... دیدگاه من درباره‌ی فلسطین... امروز نیز همانند گذشته است: همه‌ی قید و شرط را در خصوص بومی‌گرایی بی‌قیدوشرط و نضالی‌گری خشن ناسیونالیسم بیان کرده‌ام. پیشنهاد داده‌ام که جامعه‌ی عرب، تاریخ فلسطین و حقایق اسرائیل، منتقدانه بررسی شوند و به این نتیجه‌ی ضمنی دست یافته‌ام که تنها توافق بین دو جامعه‌ی عرب و یهود، آرامش را از بی‌جنگی بی‌پایان به ارمغان خواهد آورد.»^{۳۴}

عکسی از سعید (سوم جولای ۲۰۰۳) در دست است که در حال پرتاب سنگ به مرز لبنان و اسرائیل است. این عکس انتقاداتی را از چند گزارشگر سیاسی و رسانه‌ای در پی داشت. برخی از این افراد، این عمل را به طنز «همدردی با تروریست» نامیده و آن را تقبیح کرده‌اند.^{۳۵} سعید اما آن را مسأله‌ی پرتاب با پسرش و «حرکت نمادین شادمانی» در پایان اشغال لبنان توسط اسرائیل برشمرده است.^{۳۶}

انتقاد از سیاست خارجی ایالات متحده

سعید در چاپ مجدد کتاب «اسلام فراگیر» (Covering Islam) در سال ۱۹۹۷، از گزارش جانبدارانه‌ی مطبوعات غربی و به‌ویژه گمانه‌زنی‌های رسانه‌ای در خصوص

بسیار وابسته به شرکای داخلی بوده که غالباً برهم‌زننده‌ی اهداف امپراتوری به شمار می‌رفته‌اند.^{۳۷} انتقاد دیگر آن است که نواحی خاورمیانه - از جمله فلسطین و مصر - که سعید به آن‌ها بسیار توجه کرده است، مثال‌های ضعیفی در تأیید نظریه‌ی او به شمار می‌روند؛ چه این سرزمین‌ها تنها در دوره‌ی نسبتاً کوتاهی در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم تحت کنترل مستقیم اروپا بوده‌اند. برخی منتقدان سعید چنین استدلال می‌کنند که وی میان نویسندگانی که به گروه‌های مختلف تعلق داشته‌اند، فرقی قائل نشده است. یعنی سعید میان گوته (Goethe)، فلابرت (Flaubert)، ارنست رنان (Ernest Renan) از یک سو و محققانی همچون: ادوارد ویلیام لین (Edward William Lane) از دیگر سو تفاوتی ننهاده است. بر طبق نظر این منتقدان، ریشه‌ها و نگرش‌های اروپایی مشترک این افراد، چنین توجیهاتی را در ذهن سعید تحت‌الشعاع قرار داده و وی کلیشه‌ای از اروپاییان ترسیم کرده است.^{۳۸}

این منتقدان سعید را به خلق غرب‌گرایی یک‌پارچه‌ای متهم می‌سازند که مخالف با گفتمان شرق‌گرایی است. این افراد برآنند که سعید نتوانسته است میان نمونه‌های رمانتیسم و روشنفکری تمایز قائل شود. به عقیده‌ی این افراد، سعید از تفاوت‌های اساسی عقیده بین محققان غربی شرق غفلت ورزیده و نتوانسته بپذیرد که بسیاری از شرق‌شناسان بیشتر متوجه ایجاد همانندی بین شرق و غرب بوده‌اند، نه خلق تفاوت. به‌طور کلی، منتقدان بر این باورند که سعید و پیروانش نتوانسته‌اند از میان شرق‌شناسی موجود در رسانه و فرهنگ عامه از یک سو، و مطالعات دانشگاهی مربوط به زبان‌ها، ادبیات، تاریخ و فرهنگ شرق از دیگر سو، تفاوت قائل شوند.

طرفداران

طرفداران سعید برآنند که چنین انتقاداتی حتی اگر صحیح باشند، نظریه‌ی اصلی او را بی‌اعتبار نمی‌سازد. به عقیده‌ی آنان، نظریه‌ی سعید هنوز در قرون ۱۹ و ۲۰ و به‌ویژه در خصوص تصاویر ارائه شده از شرق در رسانه‌ها، ادبیات و فیلم غرب بسیار معتبر است.^{۳۹} طرفداران سعید خاطر نشان می‌سازند که سعید خود محدودیت‌ها و نقاط ضعف اثرش را پذیرفته و در چاپ مجدد «شرق‌شناسی» در سال ۱۹۹۵، قاطعانه نظر منتقدان خویش را رد می‌کند.^{۴۰} آثار سعید در سمینارهای دانشگاهی و کنفرانس‌ها تخصصی همواره به بحث گذاشته می‌شود.

موسیقی

سعید علاوه بر آن که عاشق موسیقی بود، نوازنده‌ی ماهر نیز به شمار می‌رفت.^{۴۱} وی سه کتاب درباره‌ی موسیقی نگاشته است: «جزئیات موسیقی، نظایر و

- 3 January 2010.
- 9 . about the author, **humanism and democratic criticism**, Columbia bayoumi and Andrew rubin, eds Edward said reader, vintage, 2000.
- 10 . moustafa bayoumi and Andrew Rubin, eds, **the Edward said reade**, vintage, 2000.
- 11 . Edward said, power, **politics and culture**, Bloomsbury publishing, 2001
- 12 . Ian buruma, “*orientalism today is just another from of insult*”, the guardian, 16 june 2008.
- 13 . orientalism: pp. 38_41
- 14 . id, pp.65_67
- 15 . martin Kramer, “*enough said (review of Robert irwin, dangerous knowledge)*”
- 16 . ernest gellner, “*the mightier pen?*” times library supplement, 19 february 1993.
- 17 . C. A. Bayly Empire And Information, Delhi, Cambridge up, 1999.
- 18 . Ibn Warraq, *Defending The Wwst: A Critique of Edward said,s orientalism*, 2007
- 19 . terry eagleton, eastern block, new statesm an, 13 february 2006.
- 20 . orientalism, pp.329_54
- 21 . encyclopedia Britanuca on
- 22 . ranjan ghosh, *Edward said and the literary, social and political world*, new York, routiedge, 2009
- 23 . malise Ruthven, “Edward said: cantrorsial literary critic and bold advocate of the Palestinian cause in a, Erica”, the guardian September 26, 2003.
- 24 . Edward said, “drientalism, an aftereard”. Raritan 14:3, 1995.
- 25 . Julian vigo, “*Edward said and the politics of peace*,” A Journal of contemporary thought, 2004.
- 26 . dinitia smith, A stone’s Thrw Is A Freudian Slip, The new York Times, 10Mach 2001.
- 27 . martin Kramer, Enough said (review if robert irwin, dangerous knowledge), march 2004
- 28 . Democracy Now! “*Syrian Expert Patrick seale and Columbia university professor Edward said Discuss the state middle East After the Invasion of Iraq*”
- 29 . Edward said, “*Resources of hepe*”, al_ahram weekly, april 2, 2003.

توطئه‌ها مربوط به انفجار ساختمان‌ها، خرابکاری در خطوط هوایی تجاری و مسمومیت ذخایر آب انتقاد کرد^{۳۷}. سعید مخالف سرسخت سیاست خارجی ایالات متحده‌ی آمریکا در خاورمیانه و دیگر مناطق بود. او هم‌چنین از دخالت این کشور در کوزوو (Kosovo) و عراق انتقاد می‌کرد. کمک‌های ایالات متحده‌ی آمریکا به اسرائیل موضوعی بود که وی همواره بدان اشاره داشت. سعید در ماه‌های آخر حیات خویش، علناً به اعتراض علیه اشغال عراق می‌پرداخت^{۳۸}.

«سخت بر این باورم که آنان می‌خواهند کل خاورمیانه و دنیای عرب را دگرگون سازند، شاید می‌خواهند به حیات برخی کشورها خاتمه دهند، گروه‌های به اصطلاح تروریست را نابود سازند و رژیم‌هایی را که دوست ایالات متحده هستند، مستقر کنند. آن‌ها درباره‌ی مؤسسات موجود هیچ ایده‌ای ندارند... نگرش آنان به (تش نیز چنین است... امیدوارند که سازمان ملل بیاید و کاری انجام دهد...»^{۳۹}.

درگذشت

ادوارد سعید در ۲۵ سپتامبر ۲۰۰۳ در سن ۶۷ سالگی، پس از ۱۲ سال مبارزه با بیماری سرطان در نیویورک درگذشت.

جوایز

سعید علاوه بر عضویت در چندین سازمان و مؤسسه‌ی معتبر، دارای بیست درجه‌ی افتخاری نیز از دانشگاه‌های دنیا بود. جوایز زیر به او تقدیم شده است: جایزه‌ی بودوین دانشگاه هاروارد (Harvard University Bowdoin Prize)، جایزه‌ی لیونل تریلینگ (Lionel Trilling Award)، جایزه‌ی ولک انجمن ادبیات تطبیقی آمریکا (Wellek Prize Of The American Comparative Association)، جایزه‌ی اسپینوزا لنز (Spinoza Lens Award)، جایزه‌ی ادبی لنان (Lannan Lit-erary Award) و جایزه‌ی سلطان اوایس (The Sultan Owais Prize). همچنین زندگی‌نامه‌ی سعید با عنوان «در ناکجا» (Out Of Place) برنده‌ی چندین جایزه شده است.

پی‌نوشت

* منبع اینترنت

- 1 . Robert Young, **White Mythologies: Writing History and the West**, New York & London: Routledge, 1990.
- 2 . Robert fisk , “*why bombing Ashkelon Is the most tragic irony*”, the independent, 12 December 2008.
- 3 . martin Kramer “*Edward said, Malcolm Kerr, and honors at aub*”.
- 4 . Robert Hughes, “*envoy to tow cultures*”. Time, retrieved 2008.
- 5 . jon sacco, **Palestine**. Fantagtaphics, 2001.
- 6 . Edward said, **bet ween worlds**, London review of book, 1998
- 7 . ibid.
- 8 . encyclopedia Britannica online, Edward said, accessd